

### خونخوار و خونخواه

یکی از جزایر خارجی بمقاسبت کشته شدن سه تن در درگیری روز ۷ مرداد در تهران و تبریز چهارتن در مرداد در سوسن گرد، اقدامهای رسمی رژیم محمدرضاشاه را اینطور ترائیندی کرده بود: "در طی دو سال اخیر بیش از شصت انفجاری در برخورد با پلیس و یا پس از محاکمه بقتل رسیدند اند... البته در اینجا تعداد کثیر کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان که در طی اختصایات و تظاهرات بگوله بسته شدند و یا در بیخوله های سازمان امنیت در زیر شکنجه جان سپردند محاسب نیامده است. کمتر رژیمی را میتوان یافت که در روزگار صلح چنین کشتار عظیمی بمبارت جسته باشد. متاسفانه گروههایی که بحملیات شلحانه دست درزند نتوانستند با توده مردم پیوند پیدا کنند و در اثر همین امر در زیر ضربت دشمن قرار گرفتند. ولی تردیدی نیست که این جوانهای دلیر بیان گر خشم و نفرت توده مردم اند. شاه درع تیرماه در لندن در پانچ خبرنگارانی که از او علت طفیان جوانان را جویا میشدند در صدد برآمد چنین وانمود کند که ریشه آن در جای دیگر است و گفت که "متاسفانه این یک مسئله داخلی نیست" و دلیلی که نگر کرد بسیاری پایه و مضحک بود. به عقیده او مسئله طفیان جوانان مسئله داخلی نیست زیرا که گویه افرادی که بازداشت شده اند تروریستهای مارکسیستی هستند و برای اثبات مارکسیست بودن آنها دلیل باز همی پایه نرو مضحک تری بیان کرد و گفت: "زیرا چندتن از آنها کوشیده اند قبل از بازداشت دست بخود گشایی بزنند" این اظهارات در زمین حال که نمونه ای از اتهام زنی دستگاه است از بیسوادی و بیخبری و جهالت محمدرضاشاه خبر میدهد. همه میدانند که روشنفکرانی که بر علیه رژیم محمدرضاشاه برخاسته اند دارای گرایشهای سیاسی گوناگون اند، اگرچه گرایش مارکسیستی نیز در میان آنها مشهود است. و همین امر دلیل آنست که کویه گرایشهای انقلابی در سرنگونی رژیم شاه با یکدیگر وحدت دارند.

خبرنگاران برای مراعات خاطر "مهمان عالیقدر" دولت انگلستان نخواستند بصراحت سوال کنند اما از فحوی کلاشان معلوم بود که میسرند. اگر آنطور که مدعی هستند عوامل اقتصادی و اجتماعی ناخشنودی مردم ایران مرتفع شده است پس اینس طفیان های خشمگین از کیاست. و محمدرضاشاه که به لکت دچار آمده بود باین پاسخ عاجزانه متوسل شد: "شاید عدای از افراد صرفا تشنه خون هستند و ممکن است علاقه مند به خونریزی باشند".

آری، کسانی هم هستند که تشنه خون اند: آنهایی که از خون هموطنان خود طلا میسازند و بیانک های سوئیس و انگلستان میفرستند. آنهایی که خیانت های ملی خویش را باید با ریختن خون توده ها تضمین کنند. آنهایی که ده ها هزار سرنیزه خونریز در اختیار دارند. آنهایی که سازمان امنیت را برای خونریزی خلق ایران برپا ساخته اند. خونخواری اینان در رأس همه محمدرضاشاه، پایان ندارد. میلیون ها انگشت اتهام خلق ما بسوی محمدرضاشاه بلند است و او را بعنوان دزدخم شماره ۱ معرفی میکند. جوانان انقلابی ایران به خون خواهی خلق بیا خاسته اند.

نویسنده درباری فرومایه ای در ضمن برجوانان انقلابی از خود پرسیده بود: اینها "بعشق کی ته چاه میسورند که مار بگیرند نمیدانم" (کیهان ۱ شهریور، ۱۳۵) و جوانان در بیدارگاههای محمدرضاشاهی پاسخ دادند: بعشق مردم بعشق میهن، بعشق استقلال، بعشق آزادی. و این آتش فروزنده را با هیچ دریای خون نمیتوان فروشانید.

رژیم کودتا کوشید که با تشدید بقیه رصفحه ۲

### باز هم شکست سیاست سوسیالیست امپریالیسم شوروی

دولت مصر پس از کشمکشهای بسیار با زمامداران کرملین بالاخره تصمیم گرفت عذر کارشناسان شوروی را بخواهد و خود را در تبعیت از سیاست شوروی، سیاستی که سرزمینهای کوهها عربی را در واقع برای همیشه در اختیار اسرائیل قرار می دهد برهاند. انخارج کارشناسان شوروی از مصر ضربه جدیدی است که بر امپریالیسم شوروی وارد می آید. اما برای خبرگزاری تاس و بدنبال آن رادیوی پیک ایران گویا هیچ امر مهمی اتفاق نیفتاد و فقط کارشناسان شوروی که گویا وظائف آنها پایان یافته به کشور خویش باز میگردند. آنها حقایق را وارونه میکنند تا مبادا به "حیثیت و اعتبار" شوروی در انظار جهانیان لطمه ای وارد آید و نمی بینند که با دروغ و دگرگون ساختن حقایق بحقاقتی که در دریای امروز ممکن نیست از انظار مردم جهان پنهان بماند نمیتوان برای کسی حیثیت و اعتبار کسب کرد.

جنگ اسرائیل و کشورهای عرب برای مصر بویژه گران تمام شد. طرف شش روز جنگ برق آسا سرزمین وسیعی از آن، تمام مشرق رودخانه نیل و بحر احمر از دست روی بیرون رفت و بصرف اسرائیل درآمد، تره سوز که سالیانه ده ها ملیون لیره برای دولت مصر عایدی داشت از کار افتاد، بخش مهمی از تسلیحات ارتش بویژه نیروی هوایی آن نابود گردید. ضربه ای که از این شکست بر مصر وارد آمد کشور را در بحران عمیقی انداخت. در چنین شرایط دشواری دیواستعمار شوروی برای تحکیم توسعه موقعیت خویش به هیئت "فرشته رحمت و آزادی" سایه سنگین خود را بر سراسر مصر گسترده.

استقرار شوروی در مصر به اسرائیل امکان داد که با خطر جمع سرزمین های اشغالی را نه تنها همچنان حفظ کند بلکه آنها را مورد بهره برداری قرار دهد. طی این پنج سال اسر-

ائیل پیوسته وضع نظامی و اقتصادی خود را بویژه در این جزیرین ها بهبود بخشید، حتی اعراب که پس از جنگ سرزمینهای خود را ترک گفته و به کشورهای عربی آمدند اکنون بتدریج با اسرائیل باز میگردند و با دستمزدی از آن جای کارگران اسرائیلی را که به ارتش فرا خوانده میشوند میگردند. چنین است نتیجه راه حل "مسالمت آمیز" از همان آغاز به زمامداران مصر تحمیل کرد، راه حلی که بیکار دیگر در ملاقات نیکسون با زمامداران شوروی تأیید شد و حفظ "وضع موجود" در خاور نزدیک مورد موافقت قرار گرفت. بقول پاره ای از محافل مصری حضور این بیگانگان در درون کشور تنها فایده ماش اینست که حضور بیگانگان دیگر را در سرزمین سنا تحکیم کند.

یافتاری بر روی حل "مسالمت آمیز" موجب گردید که مصری از دادن سلاحهای تعرضی به مصر خودداری ورزد و در واقع مصر را از بازپس گرفتن سرزمینهای از دست رفته باز دارد. آنچه نیز از سلاح های تعرضی که در مصر مستقر گردید و مستقلا در دست افسران و نظامیان شوروی بود و دولت و ارتش مصر در آن هیچگونه مداخله ای نداشتند اکنون که کارشناسان شوروی کشور مصر را ترک میکنند آنها را نیز به شوروی انتقال خواهند داد. آن مقدار اسلحه دفاعی نیز که از شوروی دریافت شده بدون "کلیک" شوروی نمیتواند برای مدتی مورد استفاده قرار گیرد چون تمام قطعات یکدیگر آنها باید از شوروی وارد گردند. از این جا میتوان در هر چه با سنگینی نیروی نظامی مصر بشوروی برود. درازای "کلیکهای" نظامی و اقتصادی، شوروی در مصر امتیازات فراوانی بدست آورد و از آنجمله: شش پایگاه هوایی که سه تای آنها با نیروی هوایی مصر مشترک است و سخنان دیگر منحصر در اختیار شوروی است و چندان پایگاه دریایی در مدیترانه که بدون آنها ناوگان جنگی شوروی در این بقیه رصفحه ۲

### زنده و زنیرومند باد جمهوری دموکراتیک ویتنام

بیست و هفت سال از تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام می گذرد. جمهوری دموکراتیک ویتنام نخستین دولت سوسیالیستی است که در اثر مبارزات طولانی قهرمانانه خلق ویتنام بر علیه امپریالیسم فرانسه و ژاپن در جنوب شرقی آسیا بوجود آمد و اینک بیش از ده سال است که در برابر خونخوارترین امپریالیسم جهان میجنگد. جمهوری دموکراتیک ویتنام با تکیه بر نیروی خود به پیروزیهای درخشان درجهت ساختمان اقتصاد سوسیالیستی و تحکیم و دفاع ملی نائل آمده است. هیچیک از سانس و درندگی های امپریالیسم آمریکا نتوانسته است در اراده یوب لادین خلق ویتنام در دفاع از جمهوری دموکراتیک ویتنام آزاد ساختن جنوب که جمهوری موقت انقلابی ویتنام جنوبی در آن مستقر است و نیل به وحدت کشور کترین خللی ایجاد کند. سیاست نهاجمی آمریکا جز اینکه نیروهای روز بروز تازه تری را در دست نام جنگ مقاومت گشایند و جنگ را به سراسر هند و چین گسترده و وضع هلاکت بازتری برای مهاجمان پیش آورده نتیجه دیگری نداده است. طبق برآورد یکی از پژوهندگان آمریکایی، حفره های عمیقی که در اثر فروریختن ۱۳ ملیون تن بصب و خیماره در خاک هند و چین بوجود آمده بالغ بر ۲۶ ملیون میشو که جمعا ۱۷۰۰۰۰۰ هکتار زمین را فرا گرفته و بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ ملیون متر مکعب خاک را جابجا کرده است و از این ۲۶ ملیون ۲۱ ملیون آن در ویتنام جنوبی است. از این نمونه میتوان به میزان قدرت تخریبی که امپریالیسم آمریکا در ویتنام و بطور کلی در هند و چین بکار انداخته است بی برد و در زمین حال قدرت شکست انگیز مقاومت و تعرض خلق ویتنام و سایر خلق های هند و چین را قیاس کرد. اکنون امپریالیسم آمریکا که ناتوانی خود را احساس میکند به جنایت تاریخی بی سابقه ای دست زده که بمباران سدها و سیل شکن های ویتنام شمالی است. این سدها و سیل شکن ها که در طی قرن ها در اثر کار و کوشش خلق پر همت ویتنام بالا رفته مایه آبیاری و آبادانی بزرگترین برنج زارها و غله زارهاست و ویرانی آنها با زندگی میلیون ها انسان سروکار دارد. اما امپریالیسم آمریکا که همیشه سیاست "سرزمین سوخته" را در ویتنام دنبال کرده، کشتار هر جنبه و تخریب هر مظهر حیات را هدف خود ساخته باین تبهکاری عظیم و در زمین حال عاجزانه دست زده است. نیروی هوایی آمریکا در مدتی قریب سه ماه ۱۳۵ بار ۵۸ قسمت مهم از

سیل شدن های ویتنام شمالی را بمباران کرد. بمباران مذکور نه فقط متوجه بدنه اصلی سیل شکن هابود بلکه کارکنان آنها را نیز مورد اصابت قرار داده حفره های عظیمی بوجود آورد و در سیل شکن ها و پیرامون آنها شکاف وارد ساخت تا در موقع بالا آمدن آب تولید خطر کند. نیکسون رئیس جمهور آمریکا پس از روی کار آمدن نش تا نیک تا ای راه بنام "ویتنامی کردن" جنگی ویتنام مطرح ساخت که در واقع فریبی بیش نیست. مجله "امریکا" تاپسم در ۱۰ ژوئیه نوشت که: از آغاز سال ۱۹۷۲ تعداد اسر در بازار آمریکایی که در جنوب شرقی آسیا و نواحی نزدیک آن مستقر شده اند ۵۰۰۰ نفر افزایش یافته و حال آنکه تعداد نفرت ارتش آمریکا که در همین مدت بیرون برده شده اند ۴۰۰۰ بوده است. خود سخنگوی کتخ سفید، نیکلسون در ۲۸ ژوئن موقتی که از تصمیم رئیس جمهور آمریکا مبنی بر خروج ۱۰۰۰۰ سرباز آمریکایی از ویتنام جنوبی سخن میگفت اعتراف کرد که تعداد نظامیانی که برای عملیات در ویتنام و هوایی بر ضد ویتنام شمالی کمیل شده اند از تعداد نفرتی که در ماههای اخیر خارج شده اند بیشتر بوده است. از نظر دیگر نیکسون اخیرا از نیکو آمریکا ۲/۴۵ میلیارد دلار اعتبار اضافی برای جنگ تهاجمی ویتنام خواسته است.

همه اینها افسانه گر عوام فریبی های امپریالیسم آمریکاست و نشان میدهد که شکست های فاحشی طی رژیم تقویت تهاجم او بر هند و چین صورت گرفته است.

جنگ خلق قهرمان ویتنام و سایر خلق های هند و چین جنگی است عادلانه، بخاطر حفظ استقلال و آزادی، سهم عظیمی است در مبارزه خلق های جهان بر علیه امپریالیسم آمریکا. خلق های جهان به خلق های هند و چین بسا پشتیبانی میکنند. بویژه پشتیبانی بیدریغ و بی قید و شرط جمهوری عظیم توده های چین، این دست تخیلی ناپذیر سوسیالیسم و خلق هفتصد میلیونی چین ضربه محکی بر سیاست تهاجمی امپریالیسم آمریکاست. خلق های هند و چین بار دیگر این حقیقت تاریخی را ثابت کرده اند که در دوران پیروزی با خلق های است که مصمانه بر علیه امپریالیسم بپایخیزند، از فد اکاری نهراسند و بجنگ توده های دست بزنند. خلق های هند و چین بخاطر آزادی و استقلال خود و همه خلق های جهان تا آخرین شکست امپریالیسم بقیه رصفحه ۲

### دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

### قاطر آمریکائی و شهردار پایتخت

طبقه حاکمه ایران و در رأس آن شاه باید سپاسگزارو خد متکبران آمریکا باشد و هست زیرا که از تصدق سرمایه‌های آمریکا به آلفا و الوئی رسیده و هر روز بر ثروت بی حساب خود می افزاید. مگر امپریالیسم آمریکا نبود که با صرف ۱۹ میلیون دلار شاه نگویند بخت را که از مسند پادشاهی بدر شده بود دوباره به تخت سلطنت بازگردد و اقتدار کنونی را بوی ارزانی داشت؟ مگر امپریالیسم آمریکا نیست که برای زمین داران و سرزمین مایه داران بزرگ همه گونه امکان استثمار بی حد مانده خلق های ایران را فراهم آورده است. اقبال ها، علم ها، هوادها، شرف امامی ها و دیگران را بر مسند قدرت نشاندید و از آنها فرمانروای ( البته در زیر فرمان کوروش قرن بیستم ) گورستانی ساخته است که ایران نام دارد؟ مگر امپریالیسم آمریکا نیست که برای حفظ امنیت طبقه حاکمه سازمان امنیت را آورده، تساهل کرده است؟ مگر امپریالیسم آمریکا نیست که بدولت ایران باین نشانده طبقه حاکمه، اسلحه می فروشد تا هرگونه عصیان افرا در یا خلق را با گلوله گرم فر و نشانده؟ مگر امپریالیسم آمریکا نیست که صنایع نفت ایران را پس از ملی شدن از تو تصرف کرد و به برکت این تصرف اکنون سالیانه بیش از دو میلیارد دلار عاید دولت ایران میگردد که بخشی از آن بفراخوان جیب اقراد طبقه حاکمه می رود؟ مگر...

با اینحال چرا باید آمریکائی در نزد افراد طبقه حاکمه ایران معزز و محترم نباشد؟ چرا آنها به محض ورود یک آمریکائی به کشور ما در مقام خوشخدمتی برنمیایند و در مسابقه خوش خدمتی بر یکدیگر سبقت نمیگیرند؟ حتی چرا باید قاطر آمریکائی آزادانه، بلا مانع و بدون ترس از پاسبان به محلات پرتجمع شهر سرنگند و در حالی که ورود به این محلات نه تنها برای حیوانات بارکش خود مانی بلکه برای مردم محروم و مستکرمین ما مناسقه مسخره است؟

تعجب نکند. به این نوشته اطلاعات تحت عنوان پسر معنی "عکس ها سخن میگویند" توجه کنید. اطلاعات در شمار ۲۷ خرداد ۱۳۵۱ گنیه های گذشته که در آن جلوی عمارت شهرداری تهران، در حالی که تابلوی این محل را "مخصوص توقف اتوموبیل های شهرداری پایتخت" اعلام میکند قاطری به سون همین تابلو بسته شده است. در کار این گنیه شرح زیر بچشم میخورد:

"تعجب نکند. عکس مونتاژ نیست... واقعیت دارد. در هفت یک قاطر به پایه تابلوی مخصوص توقف اتوموبیل های شهرداری پایتخت بسته شده است. شاید تصور کنید که مامورین شهرداری یک گاری حامل هند وانه را که صاحب آن گران فروشی میگردد به شهرداری جلب کرد و آن را مانع اشتباه نکند! این قاطر اصلا ایرانی نیست. بلکه قاطری است که یک کاری متعلق به دو جبهه انگلیس و آمریکا را از این شهر به آن شهر میکند. اما جاسوس این "قاطر" در خیابان ایرانشهر سرد آورده است و درست رویبری در شهرداری پایتخت، جایی که قلمبرو شهرداری است یکس جرات پارت در مقابلش را ندارد و همیشه اتومبیل پونتیاک آقای شهرداری می ایستد، یا خیال راحت پارت کرده است؟ بدون "حکمت" نیست. این قاطر قاطر خوشبختی است چون صاحبانتر که در جبهانگرد آمریکائی اند با خیال راحت "او" را در این نقطه "پارت" کرده و بدیدار شهرداری پایتخت رفته اند! بهرحال آنچه را که میتوان با اطمینان گفت اینست که امکان ندارد یک گاری با قاطر ایرانی اجازه داشته باشد در این نقطه از خیابان ایرانشهر و درست مقابل دروزک شهرداری تهران پارت کند..."

این نویسنده خوش ذوق اطلاعات با انشاء طنز آمیز وطن آمیز خود حالی میکند که در این مملکت حتی قاطر آمریکائی هم "خوشبخت" است و میتواند در جانی قدم گذارد که مردم ما را یاری آن نیست، در جانی "پارت" کند که حتی اتوموبیل ها و بزرگان نیز اجازه پارت ندارند. دو جبهانگرد آمریکائی با گاری و تاطری که آتومبیل گویا کرد جهان میگردد! این جهانگردان آمریکائی که معلوم نیست کیستند و چگونه با گاری قاطر خود بدیدار بقیه در صفحه ۳

خونخوار و خونخواه بقیه در صفحه ۱. در زندگی و توسل با عارفان از ادامه مبارزات مسلحانه جلوگیری و همان نویسنده "مزدور در خطاب به جوانان انقلابی نوشت: این اقدام شما "بازی فیل و فغان است". شاهنشاه آریامهر" میدهد چوب در آستین فصول ها بکنند... حال خود را ندید. دست میدارند! امتحان کنید به بنیاد چه طوفانی دستگاه برای تعقیب بیسای می کنند."

انصاف باید داد که بزودی، فرومایگی، آستان بوسی و ردالتی که در این نوشته منعکس است از لحاظ عصب و سمع خود با دلبری، بلند نظری، سرافرازی و نجابت جوانان انقلابی برابری میکند!

اما برخلاف انتظار سخنگوی سازمان امنیت "توفان تعقیب دستگاه" نتوانست کترین ترلزلی در اراده جوانان بوجود آورد.

ما با هرگاه که ایم که بدون حزب انقلابی، بدون پیوند با توده ها و شرکت مستقیم آنها در عملیات نمیتوان در انقلاب پیروز شد و روشنفکرانی که رهائی را در اقدامات منفرد و جدا از توده ها جستجو میکنند راه خطا میروند. ولی وظیفه ماست که در همه حال از صمیمیت و شجاعت این ازجان گذشگان در برابر زندگی سازمان امنیت و لجن پراکنی روزیونیست های حزب توده ایران با تمام قوا دفاع کنیم. پدیده توسل به قهر انقلابی پدیده مثبت و نوید بخشی است نباید آن را گویید بلکه باید آن را در جهت صحیح راهنمایی و تقویت کرد. مسلما روشن فکران انقلابی از تجارب مبارزه "سلاحه" دوران اخیر درس خواهند گرفت و بشیوه مبارزات توده ای روی خواهند آورد. مارکسیست ها... لنینیست ها وظیفه دارند که با آن دست برادری بدهند و هرگز از توضیح صبرانه و اقتناع و ارائه آگاهی و فدا کاری باز نایستند.

#### افتخار تیرباران شدگان!

افتخار بر همه شهیدان راه خلق!

درد پرشور به زندانیان سیاسی!

سرتنگان با در زمین سپین فروش محمد رضاشاهی!

زنده و نیرومند... بقیه در صفحه ۱. آمریکا ایستاد و ماند و از تبتائی های سوسیال امپریالیست های شوروی مبتنی بر سازش اپورتونیستی با امپریالیسم آمریکا بدراند. بوسه اینکه که سیاست دوروییانه و اسارت آور "کمک" روزیونیست ها شوروی به مصر بیش از پیش فاش گردیده و نیت آنان را در نزدیکی به خلق های شیفته آزادی کاملا رسوا ساخته است. نقشه های فریب کارانه آنان در هند و چین بی هیچ زمینه خواهد بود. خلق های هند و چین شاهد آنند که هنوز سوسیال امپریالیست های شوروی از دولت کورتا زاد دوست نشانده "لسن نسل در کامیج نه بریده اند و صریحا در جنگ آزادی بخش خلق کامیج با خلال مشغول اند.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام در مصاحبه مطبوعاتی ۲۹ ژوئن در هانوی در مورد عزم و اراده خلق ویتنام اظهار داشت:

"خلق ویتنام که بسیار کین توثر شده است نه تنها پشت خم نکرد بلکه در مبارزه متدتر و یک پارچتر میشود و پیش از همیشه صمم است که حملات خود و قیام های ویتنام جنوبی را توسعه و تقویت بخشد و آمریکائی را با خطر صعور در جنگ، چنانکه باید، تنبیه کند. نیروهای مسلح و خلق ویتنام شمالی در طی قریب سه ماه ۲۶ هوایمی آمریکا را سرنگون ساخته و به بار کشتی های جنگی آمریکا را آتش زده و یا دچار خسارت گردانید هاند."

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام هم چنین سخنی گفت که حاوی نظریات همه خلق های هند و چین است:

"صعور دولت نیکسون در جنگ بخودی خود نشانه شکست است. شکست، صعور، باز هم شکست، باز هم صعور، متشنجانتر و تا آنکه به شکست رسوا منتهی شود. چنین است منطقی صعور جنگ تهاجمی آمریکا در ویتنام." پیروز باد جنگ قهرمانانه خلق های هند و چین بر علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا! زنده و نیرومند باد جمهوری دموکراتیک ویتنام!

### باز هم شکست... بقیه در صفحه ۱

دربار با مشکلاتی روبرو خواهد شد.

رتنار شورویها با مردم مصر، با نظامیان و افسران مصری در دست رفتار استعمارگران اروپائی را با کشورهای متصرفی مستعمره بیاد میآورد. آنها در مردم مصر عداوتی از لشکری با کشور بدیدند. تحقیر نگریستند. واجد های هوایی و موشکی آنها که گویا بخاطر تقویت ارتش مصر در آنجا مستقر شده بود از حیثه اقتدار مصر فرماندهی ارتش مصر بیرون بود. کارشناسان با نظارت کاملی که بر روی تسلیحات داشتند مانع میشدند که مقامات مصر بدون رضایت آنها دست به عملیاتی بزنند. این رفتار نگرهید آنها خشم مردم را برانگیخت و یکی از موارد اختلاف دولت مصر با شوروی بود. زمامداران مصر همچنین به شورویها اعتراض میکردند که سیاست آنها در مصر بیشتر در خدمت منافع خود آنهاست و از آنجمله اینکه در جنگ هند و پاکستان در اواخر سال گذشته قریب پانزده هوایمی خود را از مصر به هند انتقال دادند. مصر برای راندن اسرائیل شجاع از سوزنیهای خود به سلاح های تعرضی نیاز داشت ولی شورویها بدفع الوقت گذراندند و از دادن آنها به انوم حیل خود دریورزی کردند.

بدین ترتیب این "فرشته رحمت و آزادی" یا "گنجهای" نظامی و اقتصادی مصر را بصورت یک کشور وابسته، بصورت مهره ای برای بازی شطرنج خود با آمریکا در صحنه خاور نزدیک در آورده است. پنج سال است که وضع بر این منوال ادامه دارد و هیچ درونمای مثبتی هم برای آن قابل تصور نبود.

این وضع "نه صلح و نه جنگ" بتدریج مصر را در وضع وخیمی قرار میدهد. عدم رضایت عمومی را بری انگیزت و تمیزت برنیا نگیزد. همه برای العین میدیدند که حضور شوروی در مصر در حقیقت نتیجه اثر تحکیم و تسهیل موضوع اسرائیل در سرزمینهای اشغالی است. روزنامه الاهرام در تشریح این وضع چنینی نوشت: "این بحران بهر یک از ما مربوط است... سیاست عدم تعهد یک موضع گیری بوده و هنوز هم هست که متضمن مخاطراتی است. اما بهر ترتیب از مخاطرات را پذیرا شدنا خود را در آتش قدرت بزرگ انداخت و بیکی از افکار آن مهمل گردید". بگفته همین روزنامه "وضع "صلح و نه جنگ" خون روی دانی است و مرگ بدین قهرمانی است در شرق خفیه

کردن کشور است" (لویوند ۱۱ ژوئیه ۷۲). چنین است خصلت "کمی" که عدفش تا مین سبب است زمامداران شوروی بر کشورهای عقب افتاده است و سیاستی خشن تر و گستاخانه ترو بی پروا تر از سیاست میرالیستهای غرب. حوادثی که طی چند سال اخیر در صحنه جهان روی داد ماهیت استعماری شوروی را از پشت نقاب سوسیالیسم کاملا هویدا ساخته است. حادثه اشغال چکوسلواکی ۱۹۶۸ که تحت شعارهای "سوسیالیستی" صورت گرفت و خلق چکوسلواکی را از حق حاکمیت و آزادی محروم ساخت، اگرچه با پیروزی تزارها تا باشد ولی در واقع اولین ضربه محکی بود که بر سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی وارد آمد که نتایج آن هنوز هم در انگور است.

کودتای نافرمانی در آن نشان داد که شورویها در کشورهای که میخواهند سلطه خود را برقرار سازند از توسل به کودتا تا بدست "کمونیستها" نیز پروائی ندارند. این کودتای نافرمانی برای زمامداران شوروی گران تمام شد.

تجزیه پاکستان در سال گذشته که با دست بورژوازی توسعه طلب هند و اشاره شوروی و اسلحه شوروی صورت گرفت سومین ضربه بر سوسیال امپریالیسم شوروی بود. هستند کسانی که ظهور کشور "بنگلادش" و دولت پشالی آنرا برای شوروی یک پیروزی بحساب میآورند ولی در واقع جزیه پاکستان چشم مردمانی را که هنوز چشم امید به سکو داشتند باز کرد و آنها را از استعمار شوروی بر حذر داشت. تجزیه پاکستان به خلق ها نشان داد که شوروی با چه نیرنگ هایی مناطق نفوذ خود را توسعه می بخشد، با چوشتی کشورهای را که در برابر اراده و خواست او ایستادگی بخرج میدهند به نابودی می کشاند.

حوادث اخیر مصر که منجر به اخراج کارشناسان و نظامیان شوروی که تمدن آنها نزدیک به بیست هزار نفر است گردید شکست بزرگ دیگر برای سوسیال امپریالیسم شوروی است. این ضربات بهیچوجه تصادفی نیست بلکه نتیجه ناگزیر تضاد منافع خلق ها با منافع سوسیال امپریالیسم شوروی است. همین تضاد روز بروز این امپریالیسم توطئه راد را نظار سرد مفرورتر وین اعتبار خواهد ساخت.

نبرودند باد نهضت... بقیه از صفحه ۸ در سامینیر ۱۹۷۱ چنین گفت:

"اکنون يك يا دو قدرت بزرگ يا عبارات بر طمطراقی... گویند که خلق فلسطین و سایر خلق های عرب نباید بسوی حمله مقابل بر تجاوزکاران اسرائیلی به اسلحه دست پیوستند تا جنگ جهانی برانگیخته نشود... بگفته آنها هرکس که از چنین مبارزه مسلحانه ای پشتیبانی کند در صدد است که بین دو قدرت بزرگ تصادم برانگیزد... اینها سخنان بیبوده است، آنگاه که اسرائیل پشت سرهم به تجاوز دست میزند این قدرت های بزرگ از خطر جنگ جهانی نگران نمی شوند... پس چرا مبارزه خلق فلسطین و سایر خلق های عرب بر ضد تجاوز ممکن است جنگ جهانی را برافروزد؟ اگر این منطق را بپذیریم خلسق چین نمی بایست بچنگرهای بخش مبادرت میجست... خلق کره نمی بایست مهاجمان امریکائی را عقب میزد... خلق های سه گانه هند و چین نمی بایست جنگ مقاومت بر ضد تجاوز امریکا و بخاطر رفاهتی را در دنبال میکردند... هیچ خلق تجاوز - دیده ای اجازه نداشت اسلحه بدست بفرستی تجاوزکاران برزید... آیا چنین منطقی در این دنیا پذیرفتنی است؟ خلق های فلسطین و سایر ممالک عربی که تجاوز دیده اند ناچارند که برای دفع تجاوز، برای استرداد زمین های از دست رفته و برای تحصیل حق موجودیت ملی خویش اسلحه بگیرند این کاملاً محقانه است و بهیچ وجه نمیتواند مورد انکار واقع شود... اگر آمریکا و آن قدرت بزرگ دیگر متفقا آواز سر میدهند و مطالب فوق را با تمام قوا بخش میکنند و میگویند که دیگران را از خطر جنگ جهانی بترسانند از آنجهت است که میخواهند دست

پای خلق های فلسطین و سایر ممالک عربی را ببندند و آنان را از قیام برای مبارزه محقانه بازدارند تا این دو دولت بزرگ بتوانند بر اوضاع نظارت داشته باشند و بمقاصد شرم آور خویش برسند..."

حوادث ماه های اخیر بیش از پیش مؤید این سخنان آموخته است... خلق فلسطین علی رغم تهدیدات امپریالیسم وصهپو... نیسم و افسانه سرانی سوسیال امپریالیسم آتی از مبارزه قهرآمیز باز نیستاده و ضربات جدی بر دشمن وارد ساخته است... ما یقین داریم که حوادث عبرت انگیز سالهای اخیر پاب دید... کی سیاسی خلق فلسطین و سایر خلق های عرب کنگ کس کرده و خواهد کرد... نهضت مقاومت خلق فلسطین بر مشکلات در وقت خویش فائق خواهد آمد... روز بروز بیم پیوسته تر خواهد شد... بر نیروی خود تکیه خواهد زد... دوست را از دشمن بهتر خواهد شناخت و باتفاق همه خلق های عرب و خاورمیانه به پیروزی خواهد رسید...

خلق ایران پیوسته با دیده تحسین به نهضت مقاومت خلق فلسطین نگریسته و از آن الهام گرفته است... چه بسیار جوانان ایرانی که با شور انقلابی بباری خلق فلسطین شناختند و در کار برادران فلسطینی خود جنگیدند و چه بسیار از آنها که از جبهه فلسطین به جبهه نبرد پشهادت رسیدند... خلق ایران بازگشتند در میدان نبرد پشهادت رسیدند... خلق ایران و خلق فلسطین در سنگر واحدی میزنند... مادرشکست ها و کامیابی های یکدیگر شریکیم... ما بخلق برادر فلسطین در پی میروستیم و برای وی پیروزی های درخشان آرزو مندیم...

همه جای ایران... بقیه از صفحه ۴ امنیت نیز - اجازه اش نمیدهد... اعتراض کند که نه تنها خانه حاج قمبر واقعت است بلکه همه جای ایران خانه حاج قمبر است... برای تفاوت درباره اینکه مردم ایران چگونه زندگی میکنند نباید ویلا های با شکوه و ساختمانهای معدودی را معیار قرار داد که در دست هیات حاکمه ایران... در دست حاج قمبر و بالاتری های اوست که خون مردم را میمکند و گوشت و استخوان مردم بمالصح ساختمانهای پرشکوهشان را تشکیل میدهد... برای قضاوت در وضع مسکن و زندگی میلیونها مردم ایران لازم هم نیست که چراغ برداشت و همه جا را جستجو کرد تا بطور تصادف زخم چرکین و متعفن یافت... زخمهای چرکین و متعفن سراسر خاک ایران را فراگرفته است... در خانه حاج قمبر لاف روزی در دست آب لوله کشی یافت میشود... روزی سه ساعت برق هست... این خانه در مقابل مسکن میلیون ها دهقان و کارگر و زحمتکش سراسر ایران که اصولاً از برق و آب لوله کشی محرومند... در مقابل مسکن میلیونها مردم رنجبر ایران که چیزی جز دمه های خاکی نیست... منزلی است اعیانی... برای میلیونها مردم کشور چنین خانه ای هم یافت نمیشود...

مخبر اطلاعات میخواند به خوانندگان بقبول ننگه حاج - قبر تنها کسی است که به بهای مذلت و بدبختی صدها نفر مستأجرینش در شمال تهران... در ویلاهای با آرایش خاطر زندگی میکند... تو گوئی اگر حاج قمبر نبود همه چیز مرتب و عالی میبود... دیگر یک زخم چرکین هم یافت نمیشد... واقعیت اینست که حاج قمبر در مقابل دربار پهلوی و هیات حاکمه متفکران ایران نظرمی است... در برابر دریا... این آقای خبرنگار چرا در دور میسرود چادرهمان موسسه اطلاعات درباره ارباب خود... عباس مسعودی... تحقیق نمیکند که صد حاج قمبر در جیبش میگذارد...

زیم ایران بد انخاطر بر سست قدرت نشانه شده است که از مضاف حاج قمبرها و بالاتری های او حمایت کند... آن دو هزار و بیست نفری که خوششان توسط حاج قمبر مکیه میشود برآ این رژیم فقط ارزش آنها دارند که خوششان مکیه شود و نه بیشتر... شهرداری تهران و سایر سازمانها نیز بیش از آقای خبرنگار میدانند که وضع از چه قرار است... آنها میدانند زمین در دست محترمان و زمین خواران است و سرنوشت مسکن خلق نیز در دست آنان... شهرداری ایدا کاری ندارد که زمین های ساختمان نشده در دست زمین خواران یعنی آن طماعانی بماند که زمین خدا را بلا استفاده رها کرده اند تا بورسشان ترقی کند و بر ثروت ایشان افزوده شود... محمدرشد شهرداروسامیر

پیکار برضد "پیکار" بقیه از صفحه ۴ "قرار حیدر" عمو زلفی بجای خاصی به زندگی دانشجویان در جمهوری تود... ای بلغارستان داده اند... بجای آنکه روفی از جنگ بزرگ خلق ویتنام نکل کند مقالهای در شرح "کلهای بزرگ" اتحاد شوروی بخلق ویتنام نگاشته اند...

آیا این قهرست دلیل برگیز از مسائل حاد جهانیست و نهضت ملی و دموکراتیک ایران و مبارزات دلیرانه خلسق ما و از آنجمله دانشجویان نیست؟ آیا نمیخواهند باین وسیله دانشجویان را سرگرم کنند؟

در همین شماره مجله پیکار که دو صفحه اش را در اختیار "پاپوئروا" برتد نهضت کمونیستی و خائن خلق شیلی بگذاشته اند فقط چند سطر مختصر میآید کرد... روز ملی شدن صنایع نفت ایران "بذل و بخشش شده است و در آنجا میخواهیم که مردم ایران بعلت پامال شدن این قسانون (یعنی قانون ملی شدن صنعت نفت) از طرف انحصارات نفتی و هیات حاکمه ایران هنوز نتوانسته اند صاحب اختیار کامل بزرگترین ثروت ملی خود گردند... عبارت دیگر سردم ایران با وجود پامال شدن قانون ملی شدن صنعت نفت صاحب اختیار بزرگترین ثروت ملی خود شده اند... فقط هنوز صاحب اختیار کامل نیستند... محمد رضا شاه حقوق ملی را پاسداری کرده است فقط هنوز کامل پاسداری نکرده است... و آنهم باید با تذکرات و پند های ایرونیستی روزی نیست های حزب توده ایران جبران شود... باش تا صبح دولت شهید مدد... آیا این آرایش رژیم نیست؟ آیا این سخن با اعتقاد راست میهن پرستان ایران و از آنجمله دانشجویان که امپریالیست ها را بدرستی صاحب اختیار کامل نفت ایران میدانند و رفتار نمی افتد؟ پس چگونه توقع دارید که میهن پرستان ایرانی و از آنجمله دانشجویان مجله پیکار گردانندگان آنرا بشماره آرایشگران رژیم کودتا محکوم نکنند؟ نویسندگان پیکار که می پندارند با چیره دستی و لغاظی زیبا میتوان چهره زشت معانی را پویانند در اشتباه اند...

چنانکه ما بارها در توفان نشان داریم روزی نیست ها بهر وسیله منبذت میشوند که تیزی مبارزات ملی و ضد امپریالیستی و دموکراتیک گذرداسیون را بسایند... او را فقط با مهور صنفی و در چارچوبی که برای محمد رضا شاه قابل تحمل باشد مشغول دارند... او را بصورت "گربه مستوکن کباب" در آورند و نیز از توجه سیاست امپریالیستی و نواستعماری شوروی در ایران منحرف گردانند... آنها بارها فغان کردند که گذرداسیون از صورت سازمان دانشجویی خارج شده و بصورت حزب سیاسی در آمده است... و آنگاه که دادستان ارتش بهمین عنوان بغیر قانونی کردن گذرداسیون مبادرت جست آنها خائنانه مسئله انحلال گذرداسیون را پیش کشیدند و در این راه... تا می توانستند گام برداشتند... مجله پیکار برای تعقیب چنین هدف ها بوجود آمده است... از اینجهت پیکار برضد "پیکار" وظیفه همه دانشجویان و همه میهن پرستان است... این تگه را سازمان های دانشجویی بدرستی تشخیص داده اند...

مشولین نیز از همین قماشند... بلای مسکن در ایران از سایر بلاهاتی که بر سر خلسق ایران فرود آمده جدا نیست... آن رژیمی که مسئول فقر، بی دوائی، بی غذائی، بی سواد... مردم ایران است... مسئولیت وضع رقت بار مسکن را نیز بعهده دارد... برای رفع کینه این بلاها بایستی این رژیم را سرنگون ساخت... هرکس تلقین کند که دوائی این زخمهای چرکین و متعفن "را باید از این رژیم طلبید... به چرکین تر شدن و متعفن تر شدن زخمها کمک رسانده است...

عنوان مکاتبات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY حساب بانکی X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO/ITALY

# پیر و زباده جنگ توده ای در ظفار

پیکار بر ضد «پیکار»

مجله «پیکار» که بعنوان «تشریح حزب توده ایسران برای دانشجویان» منتشر میشود در شماره چهار خود گلسه کرده است که چرا برخی از سازمانهای دانشجویی قطعنامه هائی مبنی بر محکوم ساختن روی صادر کرده اند. مجله پیکار دو نمونه از این قطعنامه ها را بچاپ رسانیده و از خواننده پرسیده است: «آیا جز ناسزا و اتهام چیزی در آن است!»

در یکی از قطعنامهها از جمله گفته میشود: «مر این مجله گماناک همان مطالب مخدوش و خلاف واقع نسبتها و افترا هائی که در زمانی است کمیته مرکزی حزب توده نسبت به کفدر راسیون ابراز میداشته بیان میشود» هدف ناشران مجله عبارت است از «محدود ساختن آن (یعنی کفدر راسیون) در چهارچوب یک سازمان غیر متحرک».

ضد خلقی خود را مرتباً بواسطه مختلف بجنبش خلق ایسران و کفدر راسیون جهانی ادامه میدهد. اینک ما از خوانندگان خود میبرسیم آیا آنچه در بالا خواندند «ناسزا و اتهام» است؟ ما بارها در صفحات توقان روش دشمنانه ریزینویستیهای حزب توده ایران را بسا کفدر راسیون فاش ساخته ایم و در اینجا بطالب همین شماره پیکار استناد نیجویم تا معلوم شود که آنچه در قطعنامه های سازمانهای دانشجویی آمده است ناسزا و اتهام نیست.

ناسزا و اتهام از جانب ریزینویستهاست. همین شماره پیکار در صفحه ۲۰ نوشته است: «چپروها و چپانها سازمانهای دانشجویی را به حزب تبدیل کرده و سیاست نادرست خود را به این «حزب» تحمیل نموده اند» این نوشته پیکار نه فقط اتهام است بلکه اتهامی است که بارها از دهان نمایندگان سازمان امنیت بیرون آمده و بیانی ادعای دولت استراتژی در غیر قانونی کردن کفدر راسیون بوده است. برای این امر صدها مثال میتوان ذکر کرد و ما به یکی از آنها اکتفا میکنیم. روزنامه کیهان در سرمقاله ۲۱ مرداد ۱۳۴۹ تحت عنوان «ماهیت کفدر راسیون» نوشت: «کفدر راسیون در آغاز ظاهر صنفی داشت اما معلوم بود که فضا لان سیاسی و هواداران این یا آن تتر سیاسی بر آن چیرهورند. چندی بعد کمونیست ها کنترل کفدر راسیون را بدست آورده بودند... کسانی که خود را بر آن تحمیل کرده اند همچنان رهبری را بدست دارند» این دو گفتار را با هم مقایسه کنیم و ببینید اگر بر طبق آنها کسی مجله پیکار را دشمن کفدر راسیون دانشجویان، خواجه تاش مطبوعات رژیم، همزمان سازمان امنیت دستیار دادستان ارتش بنامد ناسزا و اتهام بر زبان رانده است؟ نویسندگان این مجله برای دادستان ارتش استنهای و استتلام جمع میکنند که کفدر راسیون به «حزب» تبدیل شده است و دیگر کوبیدن وی معطلی لازم ندارد و آنگاه متوجهند که دانشجویان ایرانی آنها را در کنار سایر مردمان و خیانت کاران نگذارند! بدیهی است که این توقع اشرافی را همه با پوزخند رد میکنند.

بصفحات همین شماره پیکار بنگرید و ببینید چند خط و یا چند صفحه بر علیه رژیم دارد. ببینید آیا نامی از محمد رضا شاه در آن میتوان یافت. ببینید آیا در باره امیرالایسم آمریکا طعنی چند به چشم میخورد. ببینید آیا از مسازرات قهرمانانه خلق ایران انتقاسی در آن هست. اما هرگز کسی چه صفحات متعدد که بر علیه کفدر راسیون سیاه شده است! ریزینویست ها شنیده اند که کمونیست کجاست که در کفدر راسیون کمونیستی فقط در «خانه» «اعیان تازه بدوران رسیده» نواخته میشود در اروپای غربی بر سر هر کوی و بونی است. از این جهت صفحاتی از مجله دانشجویی خود را باین موزیک کسه گویا «دیگر از عشق های نافرجام، بومه های ارزان» تنهای خسته و بیچاره سخن نیگویند! اختصاص داده اند. صفحاتی را هم صرف قصه کرده اند از آنجمله قصه «بیزره» بقیه در صفحه ۳

نیرومند باد نهضت مقاومت خلق فلسطین

در شهریور ماه دو سال پیش قوای ارتجاعی شاه پوز شالی اردن بر نیروهای فدائیان فلسطینی و قزاق گاهمای پناهندگان در عمان، زرقا، الحسین، وحدت هاشمی و غیره با توپ و تانک و بمب آتشزا و ناپالم حملهور گردید بقول یکی از خبرنگارهای: «سایه ایان ملک حسین» شهر عمان را چنسان منهدم کردند که کثرتی در سرزمین اشغال شده ای عمل میکنند نه در پایتخت کشور خویش».

علت این حمله، یافشاری نهضت فلسطین در مواضع انقلابی بود. امیرالایستهای شوروی و آمریکائی طرح راجرز-گرومیو را که از لحاظ تسلیم طلبی و تشویق تجاوز به قرار داد مونیخ شبیه است تنظیم کرده بودند و میخواستند بپور اجراء بگذراند. طرح راجرز-گرومیو وجود دولت اسرائیل، این سربل امیرالایسم انتزاعی میکرد بحقوق حیاتی خلق ریزنده فلسطین رازیر پایبند است تجاوز از زمانه اسرائیل رانید میفرستد تجاوزکارو تجاوززید را در عرض هم قرار میداد و برای آنکه زمینسه تسلیم اعراب را به صبر و نیسیم فراهم آورد سه ماه مبارکه جنگ توصیه میکرد. امیرالایستهای آمریکائی و شوروی با برخی از دولتهای ارتجاعی عرب و آنگاه در ایشتران تیرانی کرده و امید وار بودند تکه طرح مشترک خویش را طی در سر بعمل در آورند. ولی نهضت مقاومت فلسطین که طرح راجرز-گرومیو را «سیاهی ماکیاولی» با هدفی که دشمنان وحدت اعراب و متلاشی ساختن جبهه داخلی بخاطر برانداختن نهضت مقاومت فلسطین و نهضت نجات ملی اعراب «ارزایی کرده بود مانعی بزرگ بشمار میامد. از اینجهت کشتار جمیع اردن را بدست ملک حسین برآوردند. در روزها تکیه خلق فلسطین در آتش میسوخت خبرنگاری شوروی تاس هر دو طرف جنگ، ستمگر و ستم زده و تجاوزکارو تجاوززید را، ملک حسین و خلق فلسطین، قهرانقلابی و

همه جای ایران خانه حاج قمبر است

روزنامه اطلاعات (۳۱ خرداد) روزتاری تحت عنوان «خانه حاج قمبر واقعیت است» درج کرده بود. «در ریزین-ها و اطافهای دهمه مانند این خانه متروک که در پایتخت کشور تهران وجود دارد ۲۲ نفر زندگی میکنند. در این خانه حتی «اطاقی» که هشتاد سانتیمتر رسد و شصت سانتیمتر وسعت دارد، ماهی ۳۰ تومان به اجاره داده شده است. یکی از ساکنان این خانه میگفت: «در اینجا ماهر شبانه روز فقط دو سگ آب لوله کشی داریم. مباشر صاحب ملک در ساعت معینی شیر فلکه را باز میکند و درست دو ساعت بعد آن را می بندد. حال در این دو ساعت ۲۲ نفر ساکنین خانه چطور از شیر منحصر به فرد خانه آب آشامیدنی و آب برای سایر مصارف روزانه خود تهیه میکنند... در اینجا روز از برق ابدای خبری نیست. باز هم مباشر صاحبخانه هر شب ساعت هفت بعد از ظهر فیوز برق را به کنتور متصل میکند و راس ساعت ۱۰ شب آنرا بیرون میکشد. اعتراض به این وضع هم هیچ ثمری ندارد. هرگز اعتراض کردن کردن گفتن بریز در حاج قمبر در کتراز یک ساعت جل و پلاستش را میریزد وسط کوچه...»

تنهایی از مشاهده خانه حاج قمبر خبرنگار اطلاعات به این نتیجه میرسد که «خانه حاج قمبر واقعیت است». روزتاز با این جملات آغاز میشود: «تهران به ساختمانهای پرشکوه - به ویلاها - به خیابانهای زیبا، به بلوارها و آسمان - خراشهایش میبالد. اما در قلب همین تهران بزرگ و مدرن یک چیز بد، یک چیز خیلی خیلی بد وجود دارد... این چیز خیلی بد، یک کوچه بن بست کوچک است که در خانه های معدود آن ۲۲۰۰ نفر زندگی میکنند... من... این گزارش را میخوانم به امید آنکه شهرداری تهران و دیگر سازمانها از وجود این زخم چرکین و متعفن در قلب پایتخت آگاه شوند و آنرا درمان کنند» بنا به عقیده این خبرنگار، کبیر ایران بخصوص پایتختش از ساختمانهای پرشکوه - ویلاها - و غیره... تشکیل شده فقط در قلب تهران یک زخم چرکین و متعفن است و آن خانه حاج قمبر است و علت وجود این زخم نیز آنست که شهرداری تهران و دیگر سازمانها از وجودش اطلاع نداشته اند. اکنون شهرداری و این سازمانها بهمت آقای خبرنگار از این یگانگت زخم چرکین و متعفن آگاه خواهند شد و آنرا درمان خواهند کرد. این آقای خبرنگار تمبخواهد - و سازمان بقیه در صفحه ۳

نخستین کنگره حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک

روزهای اول و دوم ژوئیه امسال نخستین کنگره حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک تشکیل شد. کنگره بعد از استماع و بررسی عمیق گزارش سیاسی و سپس تشکیلاتی، برنامه حزب و تترهای تنظیمی را با اتفاق آرا تصویب کرد. اساسنامه حزب نیز بتصویب رسید. کنگره پیام هائی به حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی و به احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینستی جهان فرستاد و همستگی خویش را با مبارزات قهرمانانه خلقهای هندوچین طی نامه ای به حزب زحمتکشان ویتنام «جبهه» ملی رهائی بخش ویتنام جنوبی، جبهه میهن پرستان لائوس و جبهه متحد ملی کامبوج اعلام داشت. در پیام پرشور کنگره به احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینستی جهان از جمله چین گفته شده است: «البته احزاب سازمانها و هیاتهای ما هنوز غالباً ضعیفی تجربه اند. دشمن طبقه و از آنجمله سازمانهای سوسیالیست دموکراسی و ریزینویستی ممکن است نیروی بظنر آیند. ولی آنها نیروهای منخط و روزوال اند و حال آنکه احزاب و سازمانهای ما نیروهای نوزاد و رشد کننده، زنده و بالندند. آیند ما را ناست»

همانطور که سازمان ما در نهضت نامه خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک گفته است: «ایز کنگره... که واقعه مهمی در تاریخ طبقه کارگر بلژیک بشمار می آید... مظهر آن بود که مبارزه شدید درونی پیش آهنگ طبقه کارگر بلژیک یعنی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک بر طبقه راست روان ریزینویستها و چپ روان به پیروزی مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون انجامید است. بدون تردید اینک تکامل حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک به نفوذ آن در طبقه کارگر و مبارزه آن در راه پیروزی انقلاب سوسیالیستی در بلژیک، در پرتو اسناد اساسی صوبه کنگره به نفع و قوت بیشتری نائل خواهد آمد».

حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بلژیک پیوسته از خلقهای ایران در مبارزات فدائیکارانه آنها بر طبقه حکومت خود - فروخته ایران پشتیبانی کرده و وصلت والای انترناسیونالیستی خویش را آشکار ساخته است. ماضن سیاستگرایان رفقای کراسی بلژیکی خودکار اتی های روزافزون برای آنان آرزویندیم.

سرنگون باد رژیم محمد رضا شاهی